

به هیأت تحریریه مرکزی سؤالاتی از وحدت کمونیستی و راه کارگر گزارش ملاقات با وحدت کمونیستی

به رفقای هیت مرکزی

رفقا شما از ملاقات ما با وحدت کمونیستی که در آن مباحثی را حول "اتحاد چپ" مطرح نمود مطلعید. پیرو آن ملاقات اخیر نامه‌هایی (ضمیمه است) را برای برگزاری یک نشست سه گانه (و.ح، راه کارگر، حکا) ارسال کرده است. ک.ا ضروری دید تا دس برای تعیین سیاستهای حزب در این نشست از نظر رفقای هیت مرکزی در این زمینه مطلع باشد. لذا لازم است رفقا حداکثر ظرف مدت یک هفته به سؤالات زیر بطور فشرده پاسخ گویند و برای ک.ا ارسال کنند. از آنجا که نامه اول وحدت کمونیستی و گزارش آن ملاقات (که در پلنوم عرضه شد) در دسترس فوری نبود، خلاصه‌ای از آن برای حضور ذهن بیشتر رفقا ارسال میگردد.

سؤالات

- ۱- معیارهای ما برای هر نوع همکاری (اتحاد عمل، اتحادهای پایدارتر) چه باید باشد؟
- ۲- آیا همکاریهای ما میباید عرصه‌ای (خارج از کشور، کردستان، جنبش کارگری) یا سراسری باشد؟
- ۳- کدامیک از نیروهای فی‌الحال موجود ایرانی این ظرفیت را دارند و اصولی است که ما با آنها همکاری کنیم؟ معیار انتخاب چیست؟
- ۴- کدام اشکال سازمانی را برای این همکاری‌ها مطلوب میدانید؟
- ۵- هر ملاحظه دیگری دارید بنویسد.

۱۲/۳/۱۹۸۷

کمیته اجرایی، نادر.

نامه اولیه وحدت کمونیستی مبنی بر این بود که ۱- بحران حکومتی بالا گرفته است و تعویض قدرت می‌رود تا در دستور قرار گیرد. ۲- لیبرالها فعال شده‌اند و بعضا دولت آشتی ملی را مطرح میکنند. ۳- "چپ" پراکنده است. نباید این فرصت را از دست بدهد و باید از طریق یک پلاتفرم مشترک خود را به عنوان یک بدیل اجتماعی مطرح کند. ۴- این پلاتفرمها نباید تنها حول مسأله سرنگونی و ضد رژیم باشد بلکه باید

در عین حال یک پلاتفرم ضد سرمایه‌دارانه نیز باشد. و از این نظر با جبهه‌های مورد نظر چپ در سابق فرق دارد.

در آن جلسه ما بر اینکه ۱- مشکل چپ نه در گذشته و نه اکنون پراکندگی نیست بلکه مشکل چپ بی ربطی او به طبقه کارگر است و حلقه اساسی برای تبدیل چپ به یک بدیل اجتماعی ارتباط با طبقه کارگر است، ۲- بطور پرنسیپال با متحد شدن چپ مخالف نیستیم، هر نوع اتحاد عمل و همکاری برای ما یک امر مشخص است و در حال حاضر در سه عرصه مشخص میتواند معنی یابد. الف: کارگری، ب: کردستان، ج: خارج از کشور. در جنبش کارگری حاضریم با چپ حول یک قانون کار متحد شویم و آن را امضاء کنیم (یک قانون کار مشترک). در کردستان "بیانیه حقوق زحمتکشان" مبنای همکاری ماست و آن را اعلام کرده‌ایم. در خارج کشور حول کمیته‌هایی نظیر ضد جنگ، دفاع از حقوق زندانیان سیاسی، دفاع از حقوق پناهندگان... حاضریم همکاری کنیم. ضمناً با حضور اقلیت (هر دو جناح) در این اتحاد عمل موافق نیستیم. آنها را جریان‌اتی بی پرنسیپ میدانیم.

در جلسه روشن شد که "و.ح" این نامه را برای راه کارگر، اقلیت (هر دو جناح) و حزب کمونیست فرستاده‌اند. طیف رنجبرانی، توده‌ای، اکثریتی و چپهای عضو شورای ملی مقاومت از آنجا که آشکارا یک آلترناتیو بورژوازی را تبلیغ میکنند کنار گذاشته شده‌اند؛ "و.ح" معتقد است که در جنبش چپ ایران سه طیف وجود دارد. حزب کمونیست، طیف انقلاب سوسیالیستی (وحدت کمونیستی)، طیف پرو-روس (راه کارگر). اقلیت (هر دو جناح) طیف نیستند. آنها متکی به تاریخ فدایی‌اند، جریان منسجمی نیستند و بحران‌زاینده. به هر حال این چهار جریان هستند که توانسته‌اند بعد از ۳۰ خرداد سازمان و تشکل خود را حفظ کنند و ادامه کار باشند. ضمناً چپ به اینها محدود نمیشود. نیروهای وسیعی از چپ (وسیعتر از چپ متشکل) خارج از این سازمانها قرار دارند که نیروی بالقوه‌ای هستند که با اتحاد سازمانهای اصلی چپ آنها نیز بالفعل و فعال خواهند شد.

نسبت به دعوت وحدت کمونیستی، الف: راه کارگر در یک جلسه حضوری بیان داشته بود که برای ما همکاری در دو سطح مطرح است، ۱- کارگری (جبهه واحد کارگری)، ۲- مردمی. اتحاد و همکاری را محدود به نیروهای کمونیستی نمیداند. اقلیت (جناح توکل) را یک دسته غیر سیاسی نامیده بود که حاضر به همکاری با او نیست. بعد از این جلسه دفتر سیاسی راه کارگر طی نامه‌ای ضمن استقبال از اتحاد عمل و همکاری چپ اعتقاد خود را به تشکیل یک جبهه با شرکت نیروهای دمکرات و انقلابی بیان داشته و روی آن تأکید نموده بود.

ب: اقلیت (توکل) در بحث حضوری موافقت خود را اعلام کرده بود. (به آنها گفته بودند که موافقت شما یعنی نشست با راه کارگر و اقلیت (شورای عالی) و حزب کمونیست بر سر یک میز) اقلیت (توکل) گفته بودند که ما بعداً یک نماینده تام‌الاختیار را از طرف کمیته مرکزی خواهیم فرستاد.

ج: اقلیت (شورای عالی) را موفق به تماس با او نشده بودند.

در پایان آن جلسه قرار شد تا آنها سه ماه دیگر (ژانویه، فوریه) پیش‌نویس یک بیانیه که این نیروها میتوانند پای آن را مشترکاً امضاء کنند را برای جلسه‌ای با شرکت کلیه جریان‌ات دعوت شده ارائه دهند و

نامه‌های ضمیمه در این رابطه برای ما فرستاده شده است.

این نوشته نه به خط منصور حکمت است و نه به نثر او. با این حال این سند در بین آثار حکمت جا گرفته است چرا که هم امضای او را دارد و هم اینکه خود او در این جلسه مذاکره از جانب حکا شرکت داشته است.

hekmat.public-archive.net #4057fa.html

ملاقات سه جانبه با وحدت کمونیستی و راه کارگر

گزارش به کمیته مرکزی حزب کمونیست ایران

2

طی روزهای جمعه و شنبه ۲۲ و ۲۳ مه (۱۹۸۷) نشست سه جانبه‌ای میان ما و گروه‌های فوق بر سر طرح وحدت کمونیستی برای اتحاد عمل صورت گرفت. گزارش در ملاقات مقدماتی قبلی (میان ما و وحدت کمونیستی و ما و راه کارگر) قبلا در اختیار رفقا قرار گرفته است.

3

در ملاقات اخیر ترکیب هیاتهای سازمانها به شرح زیر بود:

حزب کمونیست: رضامقدم، رحمان سپهری، منصور حکمت

راه کارگر: علی اصغر ایزدی، بهروز محمدی

وحدت کمونیستی: "محمود" (ظاهرا مسئول اصلی سازمان وحدت کمونیستی در خارج)، "فرهاد" (ظاهرا نویسنده اندیشه‌های با نام مستعار کوروش رحمانی) و "بهمن" (احتمالا مسئول وحدت کمونیستی در خارج کشور). یک نفر دیگر به نام "علی"، که در ملاقات قبلی با رفقای ما شرکت داشت، به دلیل ممانعت پلیس نتوانست وارد کشور شود، و لذا غایب بود.

7

از طرف وحدت کمونیستی دستور جلسه به شرح زیر پیشنهاد شد و مورد توافق سایرین قرار گرفت:

۱- تحلیل موقعیتی که اتحاد عمل را ایجاب میکند

۲- پیشنهادات عملی وحدت کمونیستی

۳- نظرات پیشنهادی دیگر گروهها و بحث در باره اقدامات عملی

12

بحث با تحلیل وحدت کمونیستی شروع شد. ابتدا موقعیت سیاسی و عدم وجود یک آلترناتیو چپ طرح شد. به گذشته چپ با تندی برخورد شد. عدم حمایت چپ از دموکراسی ("چپ هلله کن جمهوری اسلامی بود")، درک نکردن ضرورت اتحاد عمل توسط چپ و نظایر آن که در نامه‌های این سازمان (و در مقالاتی) منعکس است مجددا طرح شد. مجموعا تشنت و چند دستگی چپ به فقدان درایت و درک درست رهبران و سازمانها مربوط شد. اتحاد عمل گروهها میبایست از تکرار این نواقص جلوگیری کند. برخلاف مذاکرات قبلی، اینبار اتحاد عمل حول مسائل کارگری بعنوان محور پیشنهاد شد (ظاهرا ارزیابی‌شان این بود که این آوانس را باید به حزب و راه کارگر بدهند تا بحث بتواند سر بگیرد)، بعلاوه

اتحاد عمل‌هایی حول مساله دموکراسی و غیره.

13

در پاسخ ما و راه کارگر صحبت کردیم. ما ارزیابی وحدت کمونیستی از چپ را غیر واقعی و تحریف آمیز خواندیم. شیوه برخورد آنها را سطحی نامیدیم. ما توضیح دادیم که دلایل مادی اجتماعی که ریشه در شکافهای طبقاتی در ایران و نیز قطب‌بندیهای بین‌المللی دارند علل واگرایی جریان‌هاست. این قطب‌بندیها ضروری بوده است. تحلیل "عدم درایت" وحدت کمونیستی را رد کردیم. در مقابل بر ضرورت پافشاری حزب کمونیست برای گسترش پایگاه طبقاتی خود در میان کارگران و حضور سیاسی مستقل طبقه کارگر در صحنه سیاسی ایران تاکید کردیم. ما یادآوری کردیم که اتحاد عمل مساله‌ای فرعی در سیاست ماست و ضمن آنکه از ابتکار عمل وحدت کمونیستی استقبال میکنیم، این نقش مرکزی‌ای برای ما ندارد. مساله اصلی ما در این دوره رابطه کمونیسم و طبقه کارگر و جایگاه طبقه کارگر در مبارزه سیاسی است.

14

راه کارگر نیز در همین خطوط بحث کرد. از سابقه چپ در مقابل تحریفات وحدت کمونیستی دفاع کرد و استراتژی خود را با توجه به مصوبات پلنومش توضیح داد. راه کارگر آماده اتحاد عمل با کلیه جریان‌ها در سطوح مختلف است. این سطوح به سه سطح "وحدت حزبی"، "وحدت کارگری" و "وحدت دموکراتیک" تفکیک شده. نشست موجود از لحاظ آنها ربطی به وحدت حزبی ندارد و در چهارچوب دو عرصه دیگر جای میگیرد.

15

ادامه بحث در این دوره کمابیش حول همین محورها قطبی شد. در طول این بحث عمدتاً راه کارگر و ما در برابر وحدت کمونیستی قرار می‌گرفتیم. بجز در یک مورد و آن مساله هویت سیاسی قطبی است که باید در این دوره اتحاد عمل کند. وحدت کمونیستی با درکی سازمانی مساله چپ و اتحاد عمل چپ را مطرح می‌کرد. ما از ضرورت روشن بودن هویت سوسیالیستی عرضه کنندگان مطالبات رادیکال کارگری و دموکراتیک (نظیر قانون کار، حقوق زنان و غیره) صحبت کردیم. اما راه کارگر مقوله چپ و سوسیالیسم را امری مربوط به هویت حزبی میدانست و در عرصه اتحاد عمل قائل به چنین مرزبندی‌ای نبود. و به زعم راه کارگر هر نیرویی در جنبش کارگری (شامل توده‌ای، اکثریتی، "ارشاد" و غیره) میتواند جزء اتحاد عمل (و جبهه کارگری) باشد. در عرصه دموکراتیک نیز حد و مرزی (مگر در مورد سلطنت‌طلبان) وجود ندارد. در طول بحث این نکات طرح و برجسته شد:

۱ - اختلافات ما و راه کارگر بر سر مطالبات کارگری زیاد نیست. هر دو جریان آمادگی طرح این مطالبات را بطور مشترک دارند. اما اصرار ما مبنی بر اینکه این مطالبات باید بدوا بعنوان مطالبات کارگران کمونیست مطرح شود، راه کارگر را تقریباً شوکه کرد (ظاهراً چنین انتظاری نداشتند). ارزیابی ما مبنی بر اینکه راه کارگر حاضر به یک چنین اقدامی نیست، درست بود. (البته در قسمتهای دیگر بحث روشن شد که راه کارگر ارزش زیادی برای اتحاد عمل با حزب کمونیست حول مطالبات کارگری قائل است - به دلایل مختلف - و شاید چنانچه مساله بایکوت کشتگر از طرف ما مطرح نمیشد، هنوز جای بحث و چانه زدن با ما بر سر مساله را میدید).

۲ - وحدت کمونیستی در اتحاد عمل (بویژه با ما) فرجه‌ای برای فعال شدن سیاسی و اعتبار یافتن سازمان خود میبیند، و لذا آماده تبدیل مواضع خود تا هر حد لازم است. شکاف میان خود و راه

کارگر (بر سر مساله شوروی و اردوگاه) را زیادی میداند، اما چنین اختلافی با حزب کمونیست حس نمیکند. در مجموع بنظر میرسد حزب کمونیست جایزه‌ای است که هم راه کارگر و هم وحدت کمونیستی برای آن تلاش میکنند. رابطه دو جانبه آن دو گروه با هم ارزش درخودی برای هیچیک از آنها ندارد. (این انتخاب در انتهای جلسه برای وحدت کمونیستی پیش آمد و عملاً وحدت کمونیستی همسویی با ما را برگزید.

۳ - وحدت کمونیستی با زرنگی ساده لوحانه‌ای تلاش میکرد نفوذ سیاسی و دامنه فعالیت عملی خود را قابل توجه جلوه بدهد. نه ما و نه راه کارگر حرف دلسرد کننده‌ای از این لحاظ به آنها نزدیم و به رویشان نیلوردم. فقط در یک مورد که راه کارگر از ما درباره نحوه کار رهبری حزب و اینکه چگونه با این پراتیک وسیع کنار می‌آییم سؤال کرد، وحدت کمونیستی بشدت رنجیده خاطر شد و اعتراض نمود، راه کارگر صرفاً پاسخ داد که باید "واقعیت را در نظر گرفت".

۴ - روشن شد که ما نه تحلیل وحدت کمونیستی و نه صرفاً عرصه‌های مورد نظر آن را نمی‌پذیریم. ما از تداعی شدن سیستماتیک با این جریانات ابا داریم، اولویت‌های کار خود را دنبال میکنیم. ارزش محدود و معینی برای برخی اقدامات مشترک قائلیم.

این دور صحبتها، که حاوی نکات متفرقه زیادی بود، بالاخره با اعتراض و انتقاد ما از شیوه برخورد وحدت کمونیستی و پافشاری‌اش برای پذیرفته شدن تحلیل جبهه ملی مآبانه‌اش از چپ خاتمه یافت. ما و راه کارگر، اظهار کردیم که لزومی ندارد برای توافق بر سر اتحاد عملها، تحلیل وحدت کمونیستی را بپذیریم. هر کس با تحلیل خودش اقداماتی را مناسب و نامناسب میداند و کش دادن بحث بر سر "نگرشها" و "منشها"، فایده‌ای ندارد و بهتر است وارد دستور مشخص بشویم.

21

در قسمت دوم. وحدت کمونیستی پیشنهادات خود را به این شرح مطرح کرد.

۱- انتشار یک خبرنامه کارگری در داخل کشور

۲- انتشار یک نشریه تئوریک بر سر مسائل "کارگری" (منظور مسائل جنبش سوسیالیستی بود. لغت کارگری را بعنوان کلیدی بودن ما و راه کارگر اینجا گنجانده بودند) در خارج کشور

۳- آکسیونهای مشترک

۴- ایجاد کمیته‌ای برای هماهنگی این امور

26

ما در پاسخ این نکات را توضیح دادیم:

۱- هرگونه اتحاد عمل منوط به حل مساله‌ای است که با مواضع اخیر راه کارگر در مورد از انزوا در آوردن کشتگریها پیش آمده است. مادام که راه کارگر علناً این سیاست خود را پس نگیرد، هیچگونه اتحاد عمل را با این سازمان ممکن نمیدانیم. باید به راه کارگر اعمال فشار کرد.

28

۲- ما هیچگونه اتحاد عمل "نهادی و ادامه کار"، با جریانات موجود، که در اذهان کمونیستها و کارگران، نوعی همگرایی میان این جریانات را تداعی میکند، تا چه رسد که آنها را در یک بستر سیاسی عرضه کند، نمیکنیم. ما طرفدار اقدامات مشترک تک نوبتی و تک موضوعی هستیم که دستاوردهای موجود و بدست آمده را تثبیت کند. برای مثال بیانیه‌هایی در مورد مطالبات کارگران، حقوق زنان، جدایی مذهب از دولت و غیره. امضاء شدن چنین بیانیه‌هایی، که ما خواهیم کوشید تا حداکثر ممکن مواضع اعلام شده ما را منعکس کند، به تثبیت شدن این مطالبات و جدا شدن عمومی چپ از راست در جامعه کمک میکند و بعلاوه نوسانات بعدی جریاناتی را که بخواهند با تغییر رژیم زیر این خواستها بزنند را دشوار میکند.

30

بدنبال این بحث مساله کشتگر و سیاست راه کارگر به مساله گرهي تبدیل شد. در واقع دو بند مورد نظر ما محور تمام بحثهایی بعدی جلسه بود. در مورد بند اول، راه کارگر این سیاست را غیر اصولی اما صریح دانست. و نظر وحدت کمونیستی را پرسید. اینجا وحدت کمونیستی آشفته فکری زیادی از خود نشان داد. ابتدا اظهار کردند که "در چهارچوب این اتحاد عمل سه جانبه" هیچگونه صحبتی از کشتگرها نمیتواند در میان باشد و باید اعلام شود که توده‌ای‌ها و اکثریتها در این میان جایی ندارند. امری که برای راه کارگر بدیهی مینمود، و لذا سؤال بعدی را بدنبال داشت. "در مورد اتحاد عمل راه کارگر با این جریانات در خارج از چهارچوب طرح سه جانبه موجود چه میگویند؟"

31

وحدت کمونیستی ابتدا اظهار داشت که باید در درون خود (منجمله با "رفقای داخل") بحث کنند. وقتی با قاطعیت موضع ما مواجه شدند، مسئول خارج کشور وحدت کمونیستی که ظاهرا از دامنه انزجار ضد راه کارگری چپ در خارج خبر داشت. بی مقدمه و از قول خود اظهار داشت که گرچه بحث نکرده‌ایم اما "تاندانس" (گرایش و تمایل) مان روشن است. راه کارگر باید سیاست قبلی خود را کنار بگذارد و اصولا با طیف اکثریتی و توده‌ای اتحاد عمل نکند. بحثی طولانی در مورد هر دو بند پاسخ وحدت کمونیستی (چهارچوب سه جانبه و اتحاد عمل مستقل راه کارگر با اکثریتی‌ها) در گرفت که مضمون آن تلاش وحدت کمونیستی برای جوش دادن معامله با راه کارگر از طریق تبدیل و بی ضرر کردن فرمولبندیها و مقاومت راه کارگر در مقابل آنها بود. راه کارگر به سادگی میخواست که وحدت کمونیستی نیز، نظیر حزب کمونیست، با صراحت تکلیف خود را روشن کند. کاری که وحدت کمونیستی بالاخره قادر به آن نشد، اما تلویحا و در ضمن هزاران جمله، عملا با ما موضع گرفت.

32

راه کارگر این بایکوت را غیر اصولی میدانست (مشروط کردن اتحاد عمل و دخالت در فعالیتهای مستقل یک سازمان دیگر). ما را به ضدیت عام با "اردوگاه" متهم کرد. ما توضیح دادیم که اختلافات ما با اردوگاه اختلاف واقعی و اساسی است. اما بایکوت راه کارگر به خصلت اردوگاهی عام او (که در آن حتی راست‌تر از کشتگرهاست) مربوط نمیشود. چنانچه نفوذ این نیروها و جایگاهشان در مبارزه انقلابی طبقه روزگاری چنان بود که نتوانیم از اتحاد عمل با آنها چشم پوشی کنیم، علیرغم تعلق اردوگاهی آنها، چنین اقدامی خواهیم کرد. اما بحث ما مشخصا بر سر از انزوا درآوردن سازمانها و گروههایی است که خائن به دموکراسی، انقلاب و طبقه کارگر بوده‌اند، مجرم‌اند، و ما خواستار انحلال آنها و تعیین تکلیف جنایات آنها هستیم.

33

پس از ایندوره بحث، مشخص شد که ملاقات سه جانبه دستاورد عملی‌ای نخواهد داشت و اتحاد عملی در کار نخواهد بود. ادامه صحبت، تحت عنوان اینکه "اگر این مساله در میان نبود چه میکردیم" دنبال شد. اساس این بحثها در واقع کنکاش وحدت کمونیستی در مورد امکان اتحاد عمل دو جانبه با ما بود.

34

در مورد نکته دوم مورد بحث ما (رد اتحاد عمل سیستماتیک)، وحدت کمونیستی بشدت برآشفته شد و مجدداً به تفصیل به بحثهای روز اول خود بازگشت (سکتاریسم، عدم درایت، استالینسم و...). ما در مقابل بشدت به وحدت کمونیستی و به رئیس جلسه اعتراض کردیم. از خودشان انتقاد کردند و عذر خواستند. ما در یکی دو نوبت دلائل خود را مجدداً توضیح دادیم. که محور آن اهمیت مخدوش نشدن هویت سیاسی و ایدئولوژیکی جریانات بود.

35

راه کارگر در مورد جبهه کارگری و ضد امپریالیستی خود توضیح داد و آمادگی خود را برای اتحاد عمل در سطوح مختلف مجدداً تکرار کرد. ما و وحدت کمونیستی هر یک نقد خود را بر این قطعنامه‌ها ارائه کردیم و راه کارگر توضیحاتی در پاسخ داد. بحث ما به این صورت عرضه شد:

36

فرمولهای راه کارگر برای ما بیگانه است و لذا به جایگاه این جبهه‌انطور که خود راه کارگر مد نظر دارد و تناقضات و اشکالات این تفکر نمیبپردازیم. بحث خود را در مورد مطالبات جبهه طرح میکنیم. این مطالبات بخش چپ و سوسیالیست طبقه کارگر است که ما تلاش داریم هویت سیاسی آن را تعریف و تثبیت کنیم. تاریخا طیف اردوگاهی مذهبی و یا غیره مدافع این مطالبات نبوده‌اند. طرح این مطالبات بعنوان مطالبات "یک جبهه" (که در آن هر نیرویی از هر قماش حاضر است) قبل از آنکه اساساً نیرویی غیر از سوسیالیستها حتی دو بند آنها را پذیرفته باشد، خلع ید کردن از کارگر سوسیالیست و کتمان رهبری او در جنبش کارگری است. راه کارگر با طرح جبهه خود در واقع دارد بار دیگر هویت سوسیالیستی رهبران عملی در جنبش کارگری را سلب میکند. ما در مقابل می‌خواهیم این هویت و این رهبری را برجسته و مسجل کنیم. راه کارگر مطالبات کارگران کمونیست را پذیرفته است مشروط بر اینکه آنها از هویت سوسیالیستی خود دست بکشند. هر طرح جبهه مبارزاتی کارگران منوط به آن است که بدوا مطالبات کارگران کمونیست مستقلاً به همان اسم عرضه شود. تنها آنگاه و با مطالعه نفوذ نیروهای دیگر در جنبش کارگری و مطالبات آنها، میتوان از یک جبهه، حول مطالبات معین، سخن گفت. تنها آنگاه طبقه کارگر خواهد توانست میان بخش پیشرو و پیگیر در رهبری خود با گرایشات عقب مانده تمیز قائل شود. بنابراین ما طرح این مطالبات را بعنوان مطالبات کارگران کمونیست می‌پذیریم، اما بعنوان مطالبات یک جبهه نمی‌پذیریم، مگر آنکه فی‌الحال چنین تجمعی از نیروهای غیر سوسیالیست و صاحب نفوذ در جنبش کارگری وجود داشته باشد، که ندارد.

37

وبالآخره در مورد پیشنهاد وحدت کمونیستی به اتحاد عمل دو جانبه چنین پاسخ دادیم:

38

با حذف راه کارگر، مساله محوری اتحاد عمل در جنبش کارگری، بدلیل عدم نفوذ کارگری وحدت کمونیستی و عدم توجه این جریان به مسائل و مبارزات کارگری، دیگر موضوعیت ندارد. اتحاد عمل ما حول مسائل کارگری، تصنعی و روی کاغذ خواهد بود. وحدت کمونیستی همینجا فوراً پرسید: "در مورد مسائل دموکراتیک چطور؟". پاسخ دادیم که آماده‌ایم با همان شروطی که در مورد اشکال این اتحاد عملها گفتیم همکاری کنیم.

39

وحدت کمونیستی بدون آنکه به روی خود بیاورد که خودش محور این ملاقاتها را اتحاد عمل در جنبش کارگری اعلام کرده بود، فورا و بدون بحث بیشتر پذیرفت، و اقداماتی را در عرصه دموکراتیک پیشنهاد کرد. این اقدامات شامل تدوین بیانیه‌هایی در مورد مسائل دموکراتیک گرهی (مسأله زنان، آزادیهای سیاسی، جدایی مذهب از دولت و حقوق زحمتکشان کردستان) میشود که توسط دو جریان تهیه و توسط وحدت کمونیستی به مجموعه‌ای از گروههای چپ برای امضاء ارائه میشود. تدوین بیانیه‌های مربوط به آزادی زنان و آزادیهای سیاسی را وحدت کمونیستی و دو موضوع دیگر را ما به عهده گرفتیم. در مورد زمانبندی تحویل این متون، اظهار کردیم که هیأت تحریریه ما باید با توجه به اولویتهای خودش این موضوعات را در دستور بگذارد و نحوه نگارش آنها را تصویب کند.

40

ترتیبات را بعدا اطلاع خواهیم داد.

41

جلسه با این بحث به پایان رسید.

در حاشیه

۱- در بحثهای حاشیهای جرّ و بحث زیادی میان وحدت کمونیستی و ما (عمدتا من) بر سر لحن پلمیکهای علنی‌مان درگیر شد. طرفین یکدیگر را به تحریف و فحاشی متهم کردند. خود لحن این بحثها زیاد غیر دوستانه نبود و از حد گله‌گذاریهای پرحرارت فراتر نرفت. از طرف ما میتوانست حساسیت کمتری نشان داده شود. اگر رفیق دیگری بجز من در این هیأت بود، احتمالا بحث از هر دو طرف کوتاهتر و اداری‌تر مطرح میشد. بحث به این طول و تفصیل ضروری نبود.

44

۲- وحدت کمونیستی بسیار غیر حرفه‌ای جلسات را اداره کرد. خود نمایندگان وحدت کمونیستی اصرار غریبی در بحث کشف، غیر سیاسی و روشنفکرانه داشتند. راه کارگر ایدا دنبال این بحثها کشیده نشد. ما تا حدودی (در مواردی بالاجبار و در برخی موارد از سر عدم آمادگی) همراه این بحثها رفتیم و به پاسخگویی پرداختیم، اما در مجموع توانستیم قدری دامنه اینها را کنترل کنیم. در یکی دو نوبت مشخصا درباره ضرورت سیاسی بودن و حرفه‌ای بودن جلسات صحبت کردیم و از ادامه بحث به شکل موجود استنکاف کردیم. وحدت کمونیستی بالاخره ضعف خود را از لحاظ اداره جلسه و تغییر موضوع پذیرفت و آن را به متفاوت بودن سبک کار جلساتی سازمانها مربوط کرد (گفتند: "ما در درون خودمان هم اینطور بحث میکنیم، انتقادی و...")

45

۳- در قسمتهای اول، عمدتا ما و راه کارگر در مقابل وحدت کمونیستی قرار می‌گرفتیم و در قسمتهای بعد (حول مسأله کشتگر و...) ما و وحدت کمونیستی در مقابل راه کارگر. این شیوه‌ای بود که با توجه به موضوعات مورد بحث و همسوئی نظرات (اهمیت مسائل کارگری برای ما و راه کارگر، و خط ضد توده‌ایستی ما و وحدت کمونیستی) قبلا پیش بینی کرده بودیم.

47

۴- وحدت کمونیستی علاقه زیادی به رفع تشنج در رابطه میان خود با ما داشت. این بطرق مختلف، چه در لحن مباحثات، و چه حتی در برخوردهای شخصی به ما خود را نشان میداد. خواستار این بودند که یک

دوره مبارزه فکری اصولی و فارغ از برجسب زنی بین ما درگیر شود و...

48

۵- راه کارگر تکیه زیادی روی جریان "ارشاد" میکرد (ظاهرا این تجسم "مذهبیون مبارز" در این دوره است. که با برخورد انتقادی و حتی استهزاءآمیز ما و وحدت کمونیستی روبرو شد (از طرف راه کارگر یک نفر در ختم پدر شریعتی شرکت کرده!)

48

۶- راه کارگر خواستار ملاقات و قرارهای تشکیلاتی رسمی با ما بود و میپرسید آیا ما ابراد خاصی در این کار میبینیم. پاسخ داده شد که موضعگیریهای شما در کردستان و جهت گیریهای توده‌ایستی شما موانع جدی‌ای بر سر گسترش رابطه ماست. با این وجود اجرای قرار سازمانی در سطوح کمیته مرکزی را، برای ایجاد یک رابطه رسمی، بلامانع میدانیم. قرار شد در بازگشت ترتیب سازمانیابی این کار داده شود.

49

۷- راه کارگر در جلسات پیشنهاد کرد که سمیناری در خارج کشور در مورد مسأله سیاست راه کارگر در قبال اکثریتهای کشتگری، مسأله اتحاد عمل و غیره برگزار شود و نمایندگان رسمی سازمانها در آن شرکت کنند. پاسخ دادیم که مسأله را با دفتر سیاسی حزب طرح میکنیم.

49

۸- عکس العمل وحدت کمونیستی و راه کارگر، بویژه بر اهمیت عینی‌ای که حزب کمونیست در این دوره یافته است تاکید میکرد. موقعیت حزب کمونیست بعنوان جریان پیشرو و کانون رهبری چپ رادیکال و غیر اردوگاهی تثبیت شده است. بنظر میرسد حزب از این موقعیت خود بدرستی برای سازماندهی یک قطب انقلابی و یک فشار سیاسی علیه رویزونیستها استفاده نمیکند. همچنین در مورد فعالیت در خارج کشور، تقریبا هر اقدام جدی به دخالت و تأیید حزب کمونیست بستگی یافته است.

50

۹- وحدت کمونیستی از اساسنامه جدید حزب کمونیست تعریف زیادی میکرد. این تغییرات را ناشی از فشار خودشان میدانستند. و آنرا "دستاوردی جدی" ارزیابی میکرد. مقداری درباره مناسبات تشکیلاتی خودشان صحبت شد. ظاهرا اساسنامه مدونی دارند که میترسند انتشار آن چپ ایران را شوکه کند. لذا لازم دانسته‌اند اول مقاله‌ای در توضیح آن بنویسند و مبنای "دموکراسی سانترالیزه" را که از قرار معلوم اساس اساسنامه‌شان است توضیح بدهند و بعد آن را چاپ کنند.

51

۱۰- راه کارگر با علاقه در مورد سبک کار و آرایش رهبری ما و همینطور نحوه فعالیتمان در جنبش کارگری (در رابطه با رهبران عملی) استفسار میکرد، و با علاقه به پاسخهای ما گوش میداد. آرایش بالای آنها به این نحو است که دبیرخانه نقش اجرایی جدی دارد و دبیر اول مسئول دبیرخانه است. کمیته‌های تبلیغات و تشکیلات تحت نظر آن کار میکنند. تعجب میکردند که چگونه ما خواهیم توانست "بدون دفتر سیاسی" و "بدون یک رهبری دائمی" در فاصله دو پلنوم کار کنیم. در عرصه کارگری سؤالشان این بود که ما چگونه هویت سازمانی خودمان را به رهبران عملی در جنبش اظهار میکنیم و از نظر امنیتی هراسی نداریم. پاسخ این سؤالات را در حد مقهورات امنیتی‌مان، صمیمانه دادیم.

51

۱۱- در طی این بحثها معلوم شد که: ۱- نفوذ کارگری‌شان از ما بسیار کمتر است ۲- بحثهای سبک کار ما را دنبال میکنند، اما هنوز فاصله زیادی از لحاظ عملی با سبک کار ما دارند (برای مثال حوزه‌های آنها به محل زیست و کار مربوط نیست، کمیته‌هایی است که حاصل تجمع فعالینشان است و لذا قابلیت برقراری رابطه طبیعی با رهبران عملی را ندارد). در مورد اینکه ما در جنبش کارگری بسیار وسیع‌تر از آنها

شناخته شده‌ایم، ظاهرًا حرفی نداشتند.

52

۱۲- همانطور که میدانید، جبهه ضد امپریالیستی راه کارگر جلسات مقدماتی‌ای داشته است (خودشان به این عنوان طرح نمیکنند). راه کارگر اتحاد عمل با حزب دموکرات را منوط به برقراری آتش‌بس با کومله، پذیرش آزادیهای بدون قید و شرط در کردستان، و نیز رد مذاکره با جمهوری اسلامی دانسته است.

54

۱۳- هر دو از ما سؤال کردند که چرا تشکیلات ما در خارج کشور فعال نیست، و مثلاً در اول ماه مه در فرانسه و آلمان کار نکرده است. گفتیم طرح کار ما در خارج کشور در نشریه چاپ شده، ایجاد یک سازمان منطبق با آن طرح کار میبرد و مشغولیم.

55

۱۴- نکات متفرقه زیادی (موضعگیری آنها در مورد جنگ ما و حزب دموکرات، سوسیال دموکراسی و پوپولیسم، اطلاعیه صدای حزب درباره تواب وحدت انقلابی که عوضی گرفته شده بود و نامه کمیته خارج کشور به وحدت کمونیستی و اینکه چرا ما از انحلال راه کارگر پس از ۳۰ خرداد صحبت کرده‌ایم و یا آنها را جوجه توده‌ای نامیده‌ایم). سبک کار رادیویی ما، مسأله قوانین جزایی ما و حکم اعدام، کمونیسم کارگری، اولویت‌های نظری ما و بولتن شوروی در حاشیه جلسات مورد بحث بود که در این گزارش می‌گنجد، شفاها خدمت رفقا خواهیم گفت.

56

۱۵- در مجموع در این جلسات سعی کردیم مشکل آفرین نباشیم و آنتاگونیسم ایجاد نکنیم. در مورد راه کارگر این کار دشواری نبود. مواضع دو جریان معلوم و نمایندگان دو جریان معقول و مؤدب بودند. در مورد وحدت کمونیستی با توجه به اینکه هیأت قبلی ما حرفی را نگفته نگذاشته بود، ما از موضع تفاهم، متانت و صراحت سیاسی حرکت کردیم. با این وجود برخی قلمبه‌گویی‌ها و فرمولبندیهای وحدت کمونیستی ناگزیرمان میکرد در مواردی پاسخهای تندی هم بدهیم. اما در مجموع، اینها به شیوه اصلی بحث ما تبدیل نشد. هیأت راه کارگر بسیار سیاسی‌تر و متین‌تر از وحدت کمونیستی بود. عنصر کار چاق کردن، معامله‌گری، مانیپولاسیون و غیره در مباحثات وحدت کمونیستی کماکان بروز میکرد. خصیصه اصلی هیأت وحدت کمونیستی روحیه و برخورد روشنفکری و بی‌پرنسیپ آن بود.

بطور خلاصه

بحث مربوط به اتحاد عمل سه جریان با تحریم راه کارگر از جانب حزب کمونیست بر سر مسأله اکثریتهای کشتگری به بن بست رسید. در مورد فعالیت‌های فرعی مشترک میان ما و وحدت کمونیستی توافق شد.

منصور حکمت

خرداد ماه ۶۶

۱۳۶۶ خرداد ۳ - ۱۹۸۷ مه ۲۴

[hekmat.public-archive.net #3838fa.html](http://hekmat.public-archive.net/#3838fa.html)